

## فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۳A۴۹۹۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

### فلسفه و حکمت قیام امام حسین (ع) از دیدگاه شهید مطهری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۶/۱۲)

عبدالصمد بهرام زاده<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد تاریخ اسلام، فارغ التحصیل دانشگاه اصفهان

رحمان کاظمی نسب

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، فارغ التحصیل دانشکده ی اصول الدین قم

#### چکیده

اهمیت حادثه کربلا در تاریخ اسلام و تاثیر گذاری آن بر رویداد های بعد از سال ۶۱ هجری باعث شد تا این حادثه از همان آغازین سالهای وقوع آن در کانون توجه اندیشمندان مختلف قرار بگیرد. نوع حادثه و وقوع آن و منحصر به فرد بودنش باعث شد تا نظرات گوناگونی حول فلسفه و حکمت این قیام صورت گیرد. در میان دیدگاه های ارائه شده نظریه امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه خاصی برخوردار است. شهید مطهری از اندیشمندان شیعه در دوره معاصر با اعتقاد به جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و اوضاع فاسد جامعه عصر امام حسین {ع} {اصلی ترین هدف قیام امام حسین {ع} را امر به معروف و نهی از منکر می داند. پژوهش حاضر در پی بیان دیدگاه شهید مطهری و نقد و بررسی آن است.

**واژگان کلیدی:** امام حسین، حادثه کربلا، شهید مطهری، امر به معروف و نهی از منکر، هدف

قیام

## بخش اول: دیدگاه شهید مطهری درباره حادثه کربلا

شهید مطهری از جمله اندیشمندان معاصر است که حادثه کربلا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در نگاه شهید مطهری نیز مانند سایر اندیشمندانی که حادثه کربلا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند یک بعد از ابعاد قیام کربلا برجستگی می نماید. در نگاه شهید مطهری در جریان حادثه کربلا عوامل گوناگونی دخالت داشته است. یعنی انگیزه های متعددی برای امام در کار بوده است که همین جهت از طرفی توضیح و تشریح ماهیت این قیام را دشوار میسازد، زیرا آنچه که از امام ظاهر شده گاهی مربوط به یک عمل خاص بود و گاهی به عامل دیگر و سبب شده که اظهار نظر کنندگان گنج و گنگ بشوند و ضد و نقیض اظهار نظر کنند و از طرف دیگر به این قیام جنبه های مختلف بدهد و در حقیقت از هر جنبه ماهیت خاصی دارد. شهید مطهری اعتقاد داشت که در قیام کربلا امام حسین {ع} سه هدف را دنبال میکرد ۱. دعوت مردم کوفه ۲. تقاضای بیعت یزید ۳. امر به معروف و نهی از منکر. شهید مطهری از بین این سه عامل، عامل امر به معروف و نهی از منکر را عامل اصلی می داند {مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۷۳ تا ۱۹۱ و مطهری، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴ به بعد} در مورد پیشینه این نظریه یعنی تبیین فلسفه عاشورا بر اساس هدف امر به معروف و نهی از منکر می توان گفت در میان قدما و پیشینیان قاضی عبدالجبار معتزلی این نظریه را بیان کرد {صحیحی سردرودی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۳۳۲} ایشان در کتاب شرح الاصول الخمسه می گوید {قیام حسین بن علی به این معنی تفسیر میشود یعنی استثنا در امر به معروف و نهی از منکر تا سر حد {جان} که صبر و تحمل آن حضرت آن چنان که صبر کرد به دین خدا عزیز و جلیل صعزت بخشید و ما امت مسلمان اینک به قیام حسین بن علی به امت های دیگر مباحثات می کنیم و می گوئیم از فرزندان رسول خدا تنها یک فرزند باقی مانده بود که وی نیز امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکرد تا آنجا که در این راه کشته شد.} {قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۴ ق: ۱۴۲} نکته اساسی و مهم در مورد دیدگاه شهید مطهری در این است که ایشان ضمن رد دو نظریه شهادت دکتر شریعتی ۱ و حکومت صالحی نجف آبادی ۲ نظر خود را بیان می دارد. شهید مطهری پاره ای از مطالب کتاب حسین وارث آدم اثر دکتر شریعتی که دار آن دیدگاه خود را بیان کرد را مخدوش و مردود دانسته و نوعی روضه مارکسیستی نام نهاده است {مطهری، ۱۳۷۵، ج سوم: ۳۰۷ تا ۳۱۰}

۱- دکتر شریعتی در آثار خود و از جمله حسین وارث آدم فلسفه قیام امام حسین {ع} را شهادت میدانند.

۲- صالحی نجف آبادی در کتاب شهید جاوید هدف قیام امام حسین {ع} و فلسفه قیام او را دستیابی به حکومت می داند.

همچنین در مورد نظریه حکومت صالحی نجف آبادی بخش هایی از استدلالات او را سست و مبتنی بر مغالطه و هوچیگری دانسته است. {مطهری، همان، ۳۸۵ تا ۴۲۰} نکته مثبت در دیدگاه شهید مطهری که علی رغم تاکید بر یکی از عوامل یعنی امر به معروف و نهی از منکر توجه او به اهداف متفاوت قیام عاشورا که در زیر به آن پرداخته می شود.

### بخش دوم: عوامل موثر در نهضت امام حسین {ع} از دیدگاه شهید مطهری

از نگاه شهید مطهری در نهضت حسینی عوامل متعددی دخالت داشته است و همین امر سبب شده است که این حادثه با این نظر که از نظر تاریخی وقایع سطحی طول و تفصیل زیادی ندارد، از نظر تفسیری و از نظر پی بردن به ماهیت این واقعه بزرگ تاریخی بسیار پیچیده باشد. یکی از عللی که باعث تفسیرهای مختلف در مورد این حادثه شده است و احیاناً سوء استفاده هایی از این حادثه عظیم و بزرگ شده است، پیچیدگی این داستان است از نظر عناصری که در وجود آمدن این حادثه موثر بودند {مطهری، همان، ج ۲ ص ۴} شهید مطهری سه عامل اساسی که در نهضت امام حسین {ع} تاثیر داشتند را ۱- عامل بیعت ۲- دعوت مردم کوفه ۳- امر به معروف و نهی از منکر می داند. از نظر شهید مطهری همه این عوامل دخیل بوده است و امام در مقابل همه این عوامل عکس العمل نشان داده است و عمل و عکس العمل های امام نیز بر اساس این سه مرحله بوده است. نکته مهم و اساسی در دیدگاه شهید مطهری این است که این سه هدف از نظر ارزش در یک درجه نیستند. هر کدام از این ها در یک حد معین بر نهضت امام حسین {ع} ارزش می دهد {مطهری، همان، ج ۲: ۳۵ به بعد و مطهری، ۱۳۶، ۱۸} در زیر هر کدام از این عوامل را با توجه به دیدگاه شهید مطهری بررسی می کنیم.

#### بند اول: عامل بیعت

شهید مطهری با توضیح شرایط تاریخی و زمینه سازی جانشینی یزید توسط معاویه خلافت یزید را نتیجه سیاست های معاویه و پیش از آن خلفای راشدین می داند. شهید مطهری می گوید یزید بعد از به سلطنت رسیدن به حاکم مدینه دستور می دهد که از امام حسین {ع} برای او بیعت بگیرد و اگر بیعت نکرد سرش را برای من بفرست. از نظر شهید مطهری یکی از چیزهایی که امام حسین {ع} با آن روبه رو بود تقاضای بیعت با یزید بن معاویه بود که گذشته از همه مفاسد دیگر دو مفسده در بیعت با یزید بود که حتی در مورد معاویه وجود نداشت یکی اینکه بیعت با یزید تثبیت خلافت موروثی از طرف امام حسین {ع} بود یعنی مسئله خلافت یک فرد مطرح نبود، مسئله خلافت موروثی مطرح بود. مفسده

دوم مربوط به شخصیت خاص یزید بود که وضع آن زمان را از زمان دیگر متمایز میکرد. او نه تنها مرد فاسد و فاجری بود بلکه متظاهر و متجاوز به فسق بود و شایستگی سیاسی هم نداشت و این خصوصیات یزید از نظر شهید مطهری با معاویه که حداقل ظواهر اسلام و مصالح آن را برای بقا خلافت خود رعایت می کرد متفاوت بود، از نظر شهید مطهری این یک عامل و جریان بود یعنی تقاضای شدید یزید و حکومت او برای بیعت گرفتن امام حسین {ع} و در اینجا جواب امام حسین {ع} فقط یک نه گفتن است. به هر حال مسئله اول و عامل اول در حادثه حسینی که هیچ شکی در آن نمی شود کرد مسئله بیعت است. بیعت برای یزید که به نفس قطعی تاریخ از امام حسین {ع} می خواستند، از نظر شهید مطهری امام حسین {ع} ای ن وظیفه را یعنی بیعت نکردن با یزید را با خروج از کشور یا رفتن به یمن و یا مخفی شدن هم می توانست انجام دهد به عبارتی دیگر روش و متد امام از این نظر جز زیر بار نرفتن به هر شکل ولو به خروج از مرز و کشته شدن نیست یا محدود به حد کشته شدن هم نیست ولی هیچ وظیفه ای مثبت از قبیل توسعه انقلاب و گسترش دعوت و غیره را ایجاب نمی کند. این عامل از آخر زمان معاویه و به شدت و فوریت آن بعد از مردن معاویه و به حکومت رسیدن یزید بود {مطهری همان ج ۲: ۱۴ تا ۲۶ و مطهری، همان، ج ۳: ۷۸} شهید مطهری این سه عامل را ارزش گذاری می کند. بر اساس ارزش گذاری عامل بیعت ارزش بیشتری نسبت به مسئله دعوت و پایین تر از عامل امر به معروف و نهی از منکر قرار داد. از نظر عامل بیعت که تا آن وقت حتی مردم کوفه اعلام نصرت نکرده بودند ارزش کار امام حسین در این حد است که تقاضای یک حکومت نیرومند و خون خوار را برای بیعت یزید نمی پذیرد و حاضر می شود خونس را بریزد و بیعت نکند. به موجب این عامل اگر حکومت کاری به کار او نداشت و از او چیزی نمی خواست امام هم کاری به کار آنها نداشت. به هر حال امتناع از بیعت ارزش بیشتری از عامل پذیرش دعوت دارد، زیرا در عامل پذیرش دعوت چند درصدی احتمال جان به سلامت بردن به علاوه موفقیت در زمامداری و ساقط کردن حریف وجود دارد ولی در عامل امتناع از بیعت در روزهایی که شروع شد احتمال قریب به یقین کشته شدن بود {مطهری، همان، ج دوم: ۴۱ تا ۴۳ و مطهری، همان، جلد ۳: ۱۹۰}

### بند دوم: عامل دعوت

شهید مطهری با اشاره به متون تاریخی معمول که اشاره به دعوت کوفیان از امام حسین {ع} دارند با نقد این دیدگاه می گوید امام حسین {ع} در آخر ماه رجب که اوایل حکومت یزید بود برای امتناع

از بیعت از مدینه خارج می‌شود و چون مکه حرم امن الهی است و در آنجا امنیت بیشتری وجود دارد و مردم مسلمان احترام بیشتری برای آنجا قائل هستند و دستگاه حکومت هم مجبور است نسبت به مکه احترام بیشتری قائل شود، به آنجا که می‌رود نه تنها برای اینکه آنجا مامن بهتری است، برای اینکه مرکز اجتماع بهتری است. یعنی فرا رسیدن ماه رجب و شعبان و موسم حج که فرصت مناسب تری برای تبلیغ هست. بعد از حدود دو ماه نامه‌های مردم کوفه می‌رسد. یعنی قبل از رسیدن نامه‌های مردم کوفه امام حسین {ع} نهضتش را از مدینه شروع کرده است. امام تصمیم خود را بر امتناع از بیعت گرفته بود بنابراین دعوت مردم کوفه عامل اصلی در این نهضت نبود بلکه عامل فرعی بود و حداکثر تاثیری که برای دعوت مردم کوفه می‌توان قائل شد این است که این دعوت از نظر مردم و قضاوت تاریخ در آینده فرصت به ظاهر مناسبی برای امام به وجود آورد. چرا که کوفه مرکز ارتش اسلام بود و اگر امام حسین {ع} به کوفه نمی‌رفت امروز همه مورخان دنیا او را ملامت می‌کردند. بیعت هجده هزار نفری حقیقی بر گردن امام بود. بنابراین امام در برابر همه آنها مسئول است نرفتن او به کوفه قضاوت را نسبت به او بدبینانه می‌کند. البته شهید مطهری تاکید می‌کند که اگر دعوت مردم کوفه نبود باز هم امام در مکه یا مدینه نمی‌ماند چرا که مکه از نظر مساعد بودن اوضاع ظاهری وضع بهتری نسبت به کوفه نداشت {مطهری، همان، جلد دوم، ص: ۲۷ تا ۳۰} شهید مطهری در اینکه حرکت امام از مکه به کوفه تنها به علت دعوت مردم کوفه نبود. دلایلی به دست می‌دهد از جمله ۱- نیمه تمام ماندن حج که اتمامش واجب است. فقط ضرورت بسیار مهمی مانند ترس قتل سبب جواز عدم ادامه می‌شود. ۲- ثانیاً امام حسین هنگام خروج از مکه وضع خود را تشبیه به وضع موسی بن عمران در وقتی که از مصر خارج شد و صحرای سینا را به طرف مشرق طی می‌کرد، می‌کند زیرا امام آیه ۲۱ و ۲۲ سوره قصص را خواند که می‌فرماید « پس موسی {ع} از آن دیار ترسان و نگران بیرون و گفت پروردگار من مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش و چون به سوی مدین حرکت نمود گفت امید آنکه پروردگار مرا به راه راست رهنما باشد » {مطهری، همان، ج ۳: ۱۸۳ و ۱۸۴} از نظر ارزش این عامل شهید مطهری می‌گوید که به موجب عامل دعوت و احتمالاً موقعیت که حداکثر ۵۰ درصد است ارزش نهضت همین قدر است که امام با پیدایش یک فرصت احتمالی نمی‌نشیند و فرصت را از دست نمی‌دهد {مطهری، همان، جلد سوم: ۱۹۰}

### بند سوم: عامل امر به معروف و نهی از منکر

از نظر شهید مطهری امام حسین {ع} صریحا به این عامل استناد می‌کند. در این زمینه به احادیث پیامبر و هدف خود استناد می‌کند و مکرر نام امر به معروف و نهی از منکر را می‌آورد و بدون اینکه اسمی از بیعت و دعوت مردم کوفه ببرد. این عامل ارزش بسیار بیشتری از دو عامل دیگر به نهضت حسینی می‌دهد به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود آموزنده باشد البته همه عوامل آموزنده هستند. ولی این عامل آموزندگی بیشتری دارد زیرا نه متکی به دعوت استو نه متکی به تقاضای بیعت یعنی اگر دعوتی از امام نمی‌شد حسین بن علی به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر نهضت می‌کرد، اگر هم تقاضای بیعت از او نمی‌کردند باز هم ساکت نمی‌نشست. به موجب این عامل امام حسین {ع} یک مرد معترض و منتقد است. مردی است انقلابی و قیام‌کننده یک مرد مثبت است. دیگر انگیزه‌ای لازم نیست همه را فساد گرفته، حلال خدا، حرام و حرام خدا حلال شده است. بیت المال مسلمین در اختیار افراد ناشایست قرار گرفته و در غیر راه رضای خدا مصرف می‌شود {مطهری، همان، ج دوم: ۴۲ و ۴۳} از نظر شهید مطهری با در نظر گرفتن عامل امر به معروف و نهی از منکر، امام در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرد و در واقع اوضاع بد اجتماعی و حلال شمردن حرام‌ها و حرام شدن حلال‌ها امام را وادار به قیام می‌کند. روی همین جهت ارزش قیام امام بر حسب این عامل خیلی بالا می‌رود. عمده سبب و علتی که به این نهضت آن شایستگی را داده است که برای همیشه در پیشانی تاریخ بدرخشد و یک درس جاویدان و یک نهضت بی‌نظیر در دنیا باشد همین جهت است {مطهری، همان، جلد: ۶۶ و ۶۷} شهید مطهری در توضیح دلیل برای این نظریه به سخنان امام حسین {ع} از جمله وصیت نامه او به محمد حنفیه و احداث دیگر از پیامبر و ائمه و نیز آیات قرآنی استناد می‌کند.

### بخش سوم: مستندات تاریخی در تأیید نظر شهید مطهری

امام حسین {ع} طی سخنان خود در سه جا علل انقلاب و قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند. ۱- در وصیت نامه خود به محمد حنفیه می‌فرماید «همانا من برای اظهار کبر و طغیان و برای فساد و ظلم از مدینه بیرون نیامدم بلکه برای اصلاح امت جدم خارج شدم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش و سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب رفتار نمایم» {مجلسی ۱۳۹۲، ج ۴۴: ۳۲۷ تا ۳۳۰}

۲- در راهش به کربلا میان یاران حر بن یزید ریاحی خطبه خواند و فرمود «آگاه باشید بنی امیه، به اطاعت شیطان گردن نهاندند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و فساد را آشکار نمودند و حدود الهی را ترک کردند و بیت المال را غارت نمودند و حرام خدا را حلال و حلالش را حرام شمردند و من به خلافت از کسانی که دین خدا را تغییر دادند سزاوارترم.»

۳- در خطبه در جمع یارانش در کربلا فرمود «همه شما آنچه را که بر ما نازل شده می بینید. همانا دنیا تغییر یافته و زشت گردید. نیکی و معروف آن پشت نموده و ادامه پیدا. تا به حدی رسیده که از آن جز مانند ته مانده ظرفی و آن جز زندگانی زیونی مانند چراگاه زبون و بد هوا چیزی نمانده است و آیا حق را نم بینید که بدان عمل نمی شود آیا باطل را نمی بینید که از آن نهی و جلوگیری نمی گردد. مومنی که بر حق است باید در ملاقات با خدا میل و رغبت داشته باشد. همانا من مرگ را سعادت و زندگی با ستگران را جز غصه و ملامت نمی بینم» {مجلسی، ۱۳۹۲ ج ۴۴: ۳۸۱} این نصوص سه گانه با محتوای همخوانی که دارد هدف جنبش حسینی را امر به معروف و نهی از منکر اعلام می کند. نگرش به سیاق تاریخی این متون بر این هدف تاکید دارد. از آن رو که نخستین متن بیانگر اولین جرعه های نهضت حسینی است و متن دوم را امام میانه راه فرمود و متن سوم را در روزهای پایانی گفت که نمایانگر هدف اصلی است، یعنی امر به معروف و نهی از منکر از آغاز تا لحظات پایانی همراه قیام و طریقت حسینی است {آل نجف، ۱۳۸۱: ۲۲۱، ۲۲۰}

### بخش چهارم: نقد و بررسی نظریه شهید مطهری

در حالی که نظریه های شکل گرفته درباره حادثه کربلا را می توان با تاکید بر نقاط مشترکشان دسته بندی کرد، نظریه مطهری افق جدیدی را بر عاشورا پژوهی می گشاید. وی پس از توضیح بسیاری از امکان های موجود درباره تحلیل کربلا که بخش مهمی از نظریه های دیگران نیز شامل می شود. آسیب اصلی همه این نظریه ها را یادآوری می شود. نکته مهمی که شهید مطهری به توضیح آن می پردازد ناتوانی نظریه ها در هم آهنگ سازی آرمان مورد علاقه شان با متن رخداد کربلاست. در نگرش شهید مطهری، امام حسین به صورت کاملاً فعالانه ظاهر می شود و اگر شواهد متفاوتی از خود بر جای می نهد به دلیل آن است که اهداف متفاوت را از همان ابتدا را از همان ابتدا و در جریان حوادث و در پی تغییر اوضاع در سر داشته است {مبلغی، ۱۳۸۷: ۳۸ و ۳۹ و ۴۰} نکته دیگری که در دیدگاه شهید مطهری وجود دارد این است که بین اهداف ارزش گذاری کرد و در این صورت از نظر شهید مطهری

مهم ترین عامل رخداد کربلا امر به معروف و نهی از منکر بود. در مرحله دوم عامل بیعت و عامل دعوت مردم کوفه در پایین ترین سطح قرار دارد {مطهری، ۱۳۷۵، ج دوم، : ۳۵ به بعد} نکته دیگر این که شهید مطهری در کنار تحلیل واقعه عاشورا و ماهیت قیام حسینی به مباحث تحلیلی همچون تحریفات در واقعه تاریخی کربلا، عوامل تحریف، شعارهای عاشورا، عنصر تبلیغ در عاشورا و وسایل ابزار پیام رسانی نهضت امام حسین {ع} ریشه های تاریخی کربلا، فلسفه قیام امام حسین {ع} و عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین {ع} پرداخته و ا ر حیث تحلیل محتوا قابل توجه است {میر محمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۰} نکته اساسی و مهم دیگری که در دیدگاه شهید مطهری وجود دارد این که وی با گذر از هدف گرایی مطلق در عاشورا می کوشد تا طیفی از اهداف را جایگزین یک هدف سازد. به اعتقاد شهید مطهری، عاشورا نه محصول پیگیری یک هدف بلکه نتیجه پی جویی اهداف موازی و متعدد است، اهدافی که حوزه عملکرد و شرح تاثیراتشان نیز می تواند متفاوت باشد. برخی بسیار فوری و برای مجاب کردن مردمان یا حتی همراهان امام حسین {ع}، برخی برای تاثیر گذاری بر واقیعت های ساسی دوران و برخی تاثیرات درازمدت ی تاریخی. {مبلغی، ۱۳۸۷: ۳۹} در دیدگاه شهید مطهری نسبت به امر به معروف و نهی از منکر قیام حسینی را می توان یک انقلاب تبلیغی نامید چرا که امام بدان وسیله در صدد بود پیام اسلام را به مردم برساند و حتی روش های جالب و شگفت انگیزی را به کار بگیرد {قنبری، ۱۶۲: ۱۳۷۹} سبک نگارش شهید مطهری در ضبط و ثبت و تحلیل مبتنی بر روش روایی و ترکیبی نیست و کمتر به صورت مقایسه ای و ترکیبی و سازگاری با گزارش های تاریخی عاشورا نظر دارد، بلکه توأم با دقت و برداشت عقلانی تحلیل می کند. به عنوان مثال در بررسی ریشه های تاریخی کربلا امتناع از بیعت و ماهیت قیام حسینی از روش روایی و ترکیبی بهره ای نمی برد {میر محمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۰}. نمونه هایی از تبیین عقلانی را در بررسی عوامل موثر در نهضت امام حسین {ع} {مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵ به بعد} و همچنین ماهیت قیام حسینی می توان دید {مطهری، همان، همان، جلد ۲۵۹: به بعد}.

کتاب حماسه حسین شهید مطهری که در آن دیدگاه های خود را در مورد قیام عاشورا مطرح کرد رویکردی عمدتاً عقلی، تحلیلی و انتقادی دارد و با اینکه استاد به نوعی مورخ هم بوده است در آن کمتر به تاریخ نگاری و نقل وقایع پرداخته شده است، چرا که هدف از آن بیشتر درس آموزی، الگودهی و و پیرایش قیام حسین {ع} از خرافات و بدعت های متاخر بوده و این خود یکی از جنبه



های اهمیت نوآوری آن را تشکیل می دهد {علیزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰} این دیدگاه شهید مطهری در مورد حادثه کربلا و به خصوص نگاه تحلیلی و چند بعدی او هر چند افق تازه ای در عاشورا پژوهی گشود ولی مورد انتقاد اندیشمندان قرار گرفت از جمله آیت الله صالحی نجف آبادی در کتابی تحت عنوان حماسه حسینی استاد مطهری به نقد کتاب حماسه حسینی و دیدگاه استاد مطهری در مورد حادثه کربلا پرداخت. ایشان در این کتاب در چهار بخش ایراداتی به نظریه شهید مطهری وارد کرد. این چهار بخش شامل عنوان های زیر می باشد. ۱- برداشت های ابتدایی استاد که آیت الله صالحی نجف آبادی ۱۲ مورد برشمرد ۲- بخش دوم کتاب تحت عنوان تناقضات است که شامل ۷ مورد است ۳- ۹ تا از اشتباهات شهید مطهری را عنوان می میکند ۴- به بی اعتباری برخی از منابع که مورد اعتماد شهید مطهری است اشاره می کند. در این بخش هم نویسنده ده مورد را بر می شمارد {ر.ک به کتاب نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری اثر آیت الله صالحی نجف آبادی، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۹}. مساله دیگری که این دیدگاه شهید مطهری را با چالش روبه رو می کند این است که اعلام امر به معروف و نهی از منکر به عنوان هدف اصلی انقلاب توسط امام از دو سو با فقه اسلامی برخورد می کند ۱- فقیهان در وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرط می کنند احتمال تأثیر برود اما از جنبش حسینی انتظار نبود در نظام و حکومت یزید تأثیر بگذارد {و موجب تغییر روش یا سرنوشتی آن شود} ۲- نیز شرط می کنند ضروری به جان و مال و آبرو و اهل و عیال و فرزندان نرسد در حالی که انقلاب امام {ع} شدیدترین ضرر در این جنبه ها را داشت نیز انقلاب امام با فقه اهل سنت مخالف است. مانند اعتقاد مشهور اهل سنت مبنی بر عدم جواز خروج و انقلاب بر ضد حاکم جائز و ستمگر در حالی که انقلاب امام {ع} بزرگ ترین انقلاب در تاریخ بشری است چه رسد به تاریخ اسلامی. {آل نجف، ۱۳۸۱: ۲۲۱}

ایراد دیگری که می توان به این نظریه گرفت اینکه امام حسین {ع} چگونه و از کدام راه یا راه ها می خواست امر به معروف و نهی از منکر کند و یا امت جدش را اصلاح کرده از فساد حکومت اموی نجات دهد، چرا که امر به معروف و نهی از منکر و در نتیجه اصلاح امت هم با تشکیل حکومت اسلامی می توانست تحقق یابد و هم با شهادت حرکت زا و بیداری بخش امکان داشت. بنابراین نظریه مذکور در عین جهت نمی تواند هدف نهایی امام حسین {ع} محسوب شود زیرا علاوه بر دو راه یاد شده تشکیل حکومت و شهادت تکان دهنده و بیداری بخش با دهها راه دیگر نیز امکان امر به معروف

متصور و ممکن بود. در مورد اصلاح نیز همان پرسش به قوت خود باقی است که بالاخره امام چگونگی و از چه راهی می‌خواست به وظیفه اصلاح‌گری خود به عنوان فرزند رسول خدا {ص} و مصلح بزرگ عمل کند. {صحتی سردرودی، ۱۳۸۴: ۳۳۲ و ۳۳۳}.

### نتیجه‌گیری

حادثه کربلا یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام و شاید بتوان گفت بعد از بعثت پیامبر {ص} مهم‌ترین حادثه در تاریخ اسلام است. همین اهمیت و خاص بودن این حادثه سبب شده که از همان روزهای آغازین این حادثه، اظهار نظرها پیرامون این واقعه صورت بگیرد، هرچند نوشته‌های قدیمی در باب این حادثه بیشتر حول چگونگی رخ دادن این حادثه است و کمتر به فلسفه و حکمت و هدف قیام پرداختند. در دوره معاصر شهید مطهری از جمله اندیشمندانی است که به فلسفه و حکمت قیام عاشورا پرداختند. وی ضمن برشمردن سه عامل مهم در حادثه کربلا یعنی عامل بیعت، دعوت و امر به معروف و نهی از منکر در ارزش‌گذاری که وی برای این سه عامل قرار می‌دهد هدف نهایی و بالاترین هدف قیام حسینی را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. با نگاهی به حادثه کربلا و سخنان امام حسین {ع} در طول مسیر از مدینه تا کربلا هرچند تأکیداتی از طرف امام حسین {ع} بر امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد ولی به نظر می‌رسد که امر به معروف و نهی از منکر، نه مهم‌ترین هدف فلسفه بلکه می‌توان گفت یکی از اهداف چندگانه‌ای بود که امام حسین {ع} برای قیام در نظر داشت.

## منابع و ماخذ

- \_ آل نجف، عبدالکریم، نهضت امام حسین از منظر امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه عبدالله امینی، فصلنامه حکومت اسلامی (۱۳۸۱)، شماره ۲۵، ص ۳۸۴-۲۲۰.
- جمعی از محققان، نهضت عاشورا، جستارهای کلامی - سیاسی و فقهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
- رنجبر، محسن، جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه، (با تاکید بر مقاتل)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
- صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله، نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۹.
- صحتی سردودی، محمد، عاشورا پژوهی با رویکرد به تعریف شناسی تاریخ امام حسین، انتشارات خادم الرضا، قم، ۱۳۸۴.
- علیزاده، حسین، گلاب اشک بر خاک پاک شهیدان (نگاه به کتاب لهوف اثر سید بن طاووس) در سیری در سلوک حسینی با معرفی ۵۰۰ اثر برگزیده در مورد امام حسین، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۸۱.
- قاضی، عبدالجبار، معتضدی، شرح الاصول الخمسه، عبدالکریم عثمان، مصر، ۱۳۸۴.
- قنبری، بخشعلی، فلسفه عاشورا از دیدگاه اندیشمندان جهان، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر، بهار الانوار جلد ۳۲-۴۴-۴۵، موسسه الوفا، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳.
- میرمحمدی، سید ضیاءالدین، تبیین شناسی تحلیل‌های عاشورا، روش شناسی علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۳، ص ۱۳۶-۱۰۹.
- مبلغی، احمد، بازخوانی نظریه مهم درباره فلسفه قیام حسینی، ص ۴۶-۱۳، در نهضت عاشورا، جستارهای کلامی - سیاسی و فقهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (سه جلد) انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی